

اعلامیه سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان به مناسبت اول ماه می، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر

## نه به جنگ و نابرابری. آری به همبستگی جهانی کارگران

امپریالیسم آمریکا و دولت فاشیست اسرائیل، با حمایت ضمنی بخشی از سرمایه جهانی، آتش جنگی تمام‌عیار را علیه جمهوری اسلامی ایران شعله‌ور کرده‌اند؛ جنگی ویرانگر و مدهش که تا همین دم، اغلب قربانیان آن را کارگران و مردم فرودست تشکیل می‌دهند. جنگ نیابتی و تهدید هسته‌یی، تنها پوششی برای غارت منابع انرژی و بازتولید سلطه هژمون‌های در حال افول است. این جنگ نه بر سر «آزادی» مردم ایران، به‌ویژه زنان - که سال‌های متمادی فقر، محرومیت، آپارتاید جنسیتی و استبداد را تجربه کرده‌اند - بلکه بر سر بازتقسیم حوزه‌های نفوذ، کنترل بر منابع انرژی و تثبیت مناسبات سلطه در نظم سرمایه‌داری جهانی به‌راه افتاده است. آنچه که در روزهای آغازین حمله تحت عنوان «حمله پیشگیرانه»، «دفاع از امنیت ملی»، «سرنگونی رژیم» و «کمک بشردوستانه» عرضه می‌شد، به زودی کنار گذاشته شد و استراتژی اصلی - که چیزی جز رویارویی خونین قطب‌های سرمایه برای منافع ژئو-استراتژیک و تحکیم موقعیت خود در سلسله‌مراتب نظم امپریالیستی نیست - بی‌پرده عیان گردید.

بحران جهانی انرژی، جهان را به آوردگاهی تبدیل کرده است که در آن بلوک‌های سرمایه - از یک سو غرب و از سوی دیگر نیروهای برآمده از جنوب جهانی - که هر دو نه برای استقرار صلح، بلکه برای بازتعریف و تثبیت نظمی چندقطبی در خدمت تداوم سلطه خود به رقابت برخاسته‌اند. در این بحبوحه، آنچه به نام «آزادی» تبلیغ می‌شود در واقع چیزی جز آزادی سرمایه برای انباشت هرچه بیشتر از طریق تخریب حیات مادی و اجتماعی طبقه کارگر و فرودستان نیست. جنگ‌های نیابتی، محاصره‌های اقتصادی و بازتولید گسترده فقر و فلاکت، اساساً ابزارهای این بازآرایی هستند. برای طبقه کارگر و همه فرودستان، این جنگ‌ها جز ویرانی خانه و معیشت، تشدید استثمار، گسترش بی‌کاری، آواره‌گی توده‌یی و عریان‌تر شدن اشکال ستم اجتماعی، چیزی به ارمغان نمی‌آورد.

در افغانستان، امارت اسلامی سرمایه (طالبان) با همدستی قدرتهای سرمایه‌داری جهانی، آپارتاید جنسیتی تحمیل شده بر نیمی از شهروندان را نهادینه کرده است. زنان پس از پنج سال سلطه خونین همچنان از تحصیل، کار و حیات اجتماعی محرومند. فقر ویرانگر، جایگزین هرگونه توسعه شده و کار کودک - از قالبین‌بافی تا معدن - به ره‌آورد شوم این حاکمیت تبدیل گشته است. جامعه افغانستان در چنگال استبداد تئوکراسی حاکم و مناسبات برده‌گی مزدی، در کنار تنش و تقابل با دولت ارتجاعی پاکستان، دورانی سخت و دهشت‌ناک را از سر می‌گذراند.

در دل این جنگ‌های خونبار و هستی‌برانداز، بلاای طبیعی نیز از تهی‌دستان و محرومان، که بنابر ماهیت مناسبات سرمایه‌داری، از حق انتخاب محل زنده‌گی و امکان بهره‌مندی از مصالح باکیفیت ساختمانی محروم هستند، قربانی گرفته و هستی‌شان را با خاک یکسان کرده است. از سوی دیگر، شماری از کارگران و خانواده‌های شان - به‌ویژه از افغانستان - که برای گریز از فقر و استبداد رژیم حاکم و برای بقا و معیشت به سوی کشورهای همسایه، از آن میان ایران، پناه جسته‌بودند، نیز از آلام و ادبار این جنگ در امان نمانده‌اند. در کنار مردم فرودست و طبقه کارگر ایران، قربانی و به خاک و خون کشیده شدند؛ نه تنها بار غم استثمار را بر دوش کشیدند، که با بی‌مهری، بیداد، بدگمانی و اتهام نیز روبه‌رو گشتند؛ نیروهای راست حامی جنگ؛ از جمله سلطنت‌طلبان و لیدر شان پهلوی، آن‌ها را تروریست خواندند.

میلیون‌ها کودک در غزه، لبنان، ایران، یمن و سودان زیر بمب‌ها در خون غلتیدند و می‌غلتنند، خانه‌های محقرشان بر سرشان آوار می‌شود. در همین حال، صاحبان سرمایه و صنایع و دولت‌مردان کشورهای

سرمایه‌داری و همراهان منطقه‌ی و محلی‌شان در کاخ‌های مجلل، سودهای کلان حاصل از انباشت و فروش تسلیحات را می‌شمارند و بر نسل‌گشی، قتل‌عام و ابعاد ویرانی و توحش نظارت می‌کنند.

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، فرقی میان بلوک غرب و سرمایه‌داران جنوب جهانی نیست؛ هر دو در بازآفرینی استثمار رقابت می‌کنند. حاصل این نزاع هژمونیک، چیزی جز جنگ‌های نیابتی، قحطی، آواره‌گی مرگبار و فروپاشی اکولوژیک نبوده و نخواهد بود. در این نظام آنچه جهانی سازی نامیده می‌شود در عمل چیزی نیست به جز گسترش بی‌مهار سلطهٔ سرمایه و به حاشیه راندن انسان و زنده‌گی انسانی او.

در اول می، روز جهانی طبقهٔ کارگر، کارگران و بشریت برابری طلب و آزادی خواه در صف فشرده و به هم پیوستهٔ جهانی، فریاد «نه» به جنگ و «نابود باد نظام مبتنی بر کارمزدی سرمایه» را سر می‌دهند و خواهان پایان فوری جنگ امپریالیستی آمریکا-اسرائیل علیه جمهوری اسلامی سرمایه در ایران و منطقه می‌شوند. آنان به جنگ‌های نیابتی در اوکراین، یمن و سودان ... به تسلیحات هسته‌ی، به تحریم‌های ضدبشری اعمال شده بر مردم کوبا دست‌زد زده و «نه» می‌گویند.

پایان سلطهٔ امارت اسلامی سرمایه بر افغانستان؛ رهایی فوری زنان از قید و بند آپارتاید مذهبی، بازگشایی مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به روی دختران، توزیع عادلانهٔ ثروت اجتماعی و مبارزه با فقر ویرانگر -پیش از همه- وظیفهٔ فوری و تعطیل‌ناپذیر مردم برابری طلب و پیش‌رو افغانستان در رأس جنبش سوسیالیستی آن است. سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه در ایران، پایان دادن به کشتار و آپارتاید در فلسطین، بازگشت آواره‌گان و پایان اشغالگری، پایان دادن به برده‌داری مدرن و کار کودک در معادن، کارخانه‌ها و خیابان‌های جهان - از جمله در افغانستان - امر طبقهٔ کارگر و بشریت برابری طلب در جهان است. جهانی بدون قطب، بدون هژمون، بدون استثمار و سلطه‌گری؛ جهانی که در آن انرژی، آب و غذا کالا نباشند، بلکه حق مشترک همهٔ بشریت باشند؛ چنین جهانی بدون سازمان‌یابی و بدون انقلاب اجتماعی ممکن و میسر نیست.

ما خواهان جهانی بدون جنگ، بدون فقر، بدون نژادپرستی، بدون ستم جنسیتی و بدون برده‌گی مزدی هستیم. جهانی که در آن انسان‌ها به جای رقابت برای بقا، در همبستگی طبقاتی، برای زنده‌گی درخور و شایستهٔ انسان امروز تلاش نموده و به پیش می‌روند. تحقق این امر، در هر گوشهٔ جهان، در گرو سازمان‌یابی طبقهٔ کارگر، انقلاب اجتماعی، فروپاشی نظام سرمایه‌داری و در نهایت برپایی سوسیالیسم است.

زنده باد همبستگی کارگران جهان!

نه به جنگ و نابرابری!

مرگ بر سرمایه‌داری!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۶ ثور/اردیبهشت ۱۴۰۵

۲۶ اپریل ۲۰۲۶